



۷۲۴

هلن کرولیش - قاسملو (برگردان: شیدا نبوی): معمای قاسملو

شیدان

xalvat.com

جنگِ خلیج فارس (محسن یلغانی) - در ضرورت مخالفتی
همه جانبه (ناصر پاکدامن) - یک جنگ کثیف (رعید میمونی)
- بالاتر از سیاهی (بهروز امدادی اصل) - اقتصاد امروز ایران
- از سانسور تا خودسانسوری (م. اردکالی) - معمای قاسملو
(هلن کرولیش - قاسملو) - اسرار هزارساله (علی اکبر
حکمی زاده) - اندیشه در دوراهه، آرزو نیاز (اکبر تورسونزاد)
- ما، من، ما (اخوان) - پیرنوروز (خانلری) - نگاهی به
حیات خود (هوشنگ گلشیری) - عروس دریایی (داریوش کارگر)
- فریاد نسلی بی‌دروغ (سعید یوسف) - نان (ولفگانگ
برشرت) - سه طرح از اردشیر محمص - کتابهای تازه (شیدا
نبوی) - شعرهایی از اسماعیل خوشی، رضا قاسمی، سیولیشه.



زمستان ۱۳۶۹

چشم‌انداز

xalvat.com

۱	محسن یلفانی	جنگ خلیج فارس
۴	ناصر پاکدامن	در ضرورت مخالفتی همه جانبه
۱۲	رشید میمونی	یک جنگ کثیف
۱۵		علیه جنگ
۱۹	بهر روز امدادی اصل	بالاتر از سیاهی
۳۱		اقتصاد امروز ایران تدوین و تنظیم: ن. پ.
۴۴	م. اردکالی	از سانسور تا خودسانسوری
۵۰	همن کرویش - قاسملو	معمای قاسملو
۶۵	علی اکبر حکمی زاده	اسرار هزار ساله
۸۰	اکبر تورسون زاد	اندیشه در دوره آ. ز و نیاز
۹۳		با یاد خانلری، اخوان
۹۴	مهدی اخوان ثالث	ماء، من، ما
۹۷	پرویز ناتل خانلری	بیر نوروز
۱۰۰	داریوش کارگر	عروس دریائی
۱۰۴	سعید یوسف	فریاد نسل بی بدرد
۱۰۹	ولفگانگ برشرت	نان
۱۱۱	هوشنگ گلشیری	نگاهی به حیات خود
۱۱۷	اسماعیل خوئی	سه شعر
۱۲۱	رضا قاسمی	پنج شعر
۱۲۴	اردشیر محمصی	از دفتر طرحهای روزانه
۱۲۷	سیولیشه	شعر
۱۲۸	پوتکین	حماسه خواهر دباغ در ساعت پنج
۱۳۲	شیدا نبوی	کتابهای تازه
	تیرداد کوهی	صفحه آراشی



هلن کرولیش - قاسملو

معمای قاسملو

xalvat.com

معمای قتل قاسملو، معمای قتل سه نفر است. در ۲۲ تیر ۱۳۶۸ (۲ ژوئیه ۱۹۸۹)، عبدالوحدن قاسملو، دبیرکل حزب دموکرات کردستان ایران، عبدالله قادری آذر، مسئول حزب دموکرات کردستان ایران در اروپا و فاضل رسول، استاد دانشگاه، گرد سر قی الاصل، تبعه اتریش در وین به قتل رسیدند.

شرایط وقوع جنایت: این سه تن روز ۲۱ تیر (۱۲ ژوئیه) با فرستادگان حکومت ایران فرار ملاقات داشتند. محل ملاقات را فاضل رسول انتخاب کرده بود، آپارتمانی در طبقه آخر ساختمان شماره ۵ "لینکه بان گاسه" (۱۱) در وین، نزدیک هتل هیلتون آپارتمان به خانم "رناتا فایستاور" (۲۱) دوست فاضل رسول تعلق داشت. این خانم که در آن ایام به سفر رفته بود، خانه خود را در اختیار دوستش گذاشته بود.

اعضای هیئت نمایندگی تهران: محمد جعفر صحرارودی (با نام مستعار رحیمی)، رئیس هیئت ایرانی، عضو عالی رتبه وزارت کشور، کارشناس مسایل کردستان،

معاون فرمانده، تیپ پانزدهم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، فرستاده، مخصوص
رفسنجانی رئیس جمهور فعلی ایران.

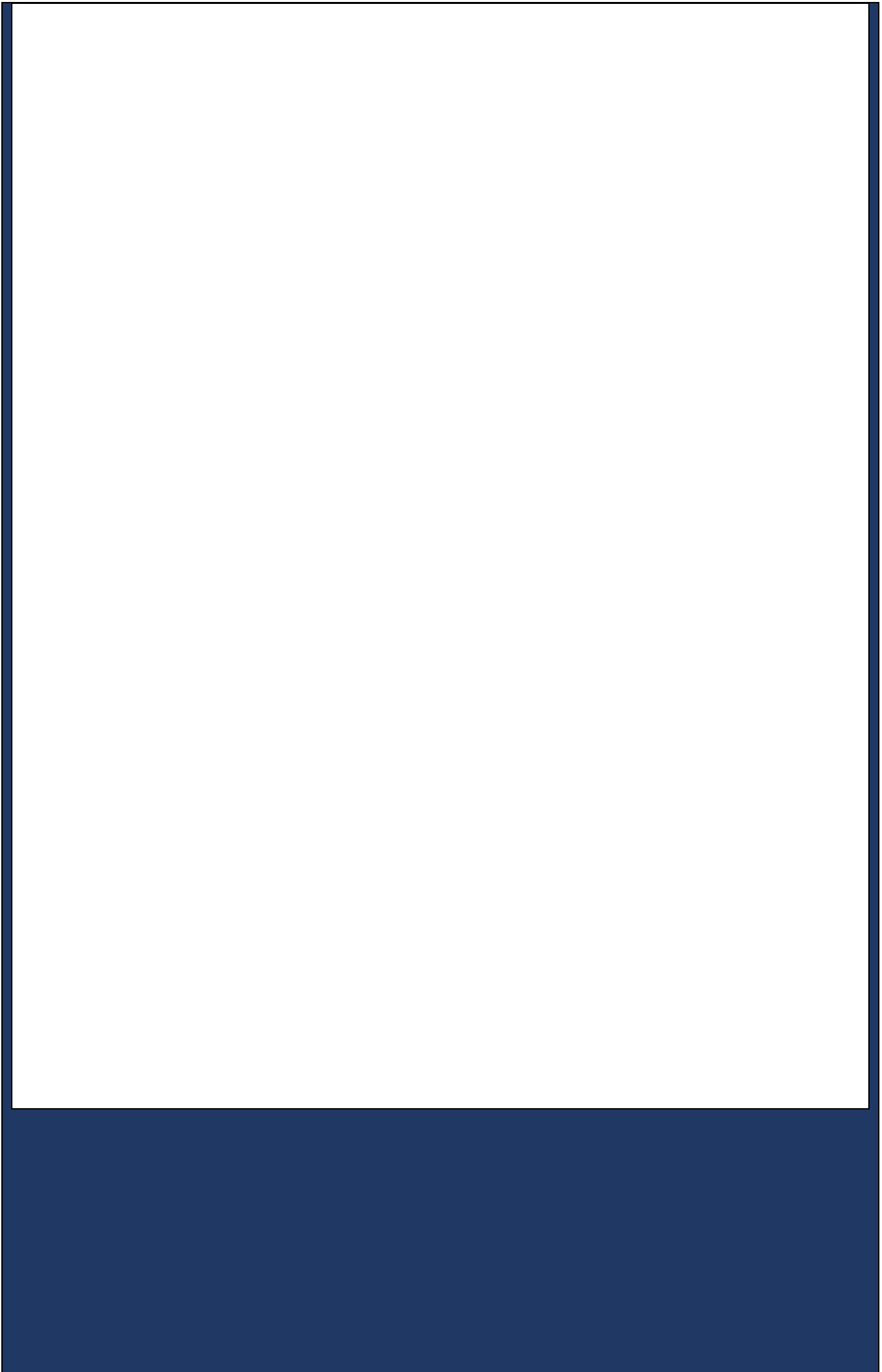
- حاجی مصطفوی (بانام مستعار جوادی یا لاجوردی)، عضو عالیرتبه، دستگاه
امنیتی ایران، مسئول منطقه آذربایجان غربی- کردستان، فرد شماره ۲ هیئت ایرانی
در مذاکرات وین.

xalvat.com

- امیر منصور بزرگیان، محافظ رسمی صحرارودی.

اعضای هیئت نمایندگی حزب دموکرات کردستان ایران: عبدالرحمن قاسملو،
متولد اول دی ۱۳۰۹ (۲۲ دسامبر ۱۹۳۰) در ارومیه ایران، دکترای اقتصاد از دانش-
گاه پراگ. او دو دختر دارد که اکنون ساکن سوئد هستند. قاسملو که از چهارده سالگی
در جنبش مقاومت کردستان فعال بود، در ۱۳۵۲ به دبیرکلی حزب دموکرات کردستان
ایران برگزیده شد. وی در دانشگاه پراگ (شهری که در ۱۳۵۵ (۱۹۷۶) مجبور به ترک
آن شد) و در دانشگاه پاریس تدریس کرده است و در میان روشنفکران و دانشگاهیان
فرانسوی و غیرفرانسوی چهره‌ای آشناست. از نظر سیاسی، قاسملو که در ۱۹۴۸ بسیار
نزدیک به کمونیسم بود، چهارده، بعد به آرمانهای انترناسیونال سوسیالیستی
نزدیک شد و در سالهای اخیر، "انترناسیونال" او را به کنفرانسهای خود دعوت می‌کرد.
قاسملو، مردی ادیب و ناطقی زبردست بود و به چند زبان تسلط داشت. برای آخوندهای
متعصب و مرتجع، وی حریفی سرسخت و پر قدرت بود.

پس از سقوط رژیم شاه، قاسملو به نمایندگی مجلس خبرگان انتخاب شد. اما
نتوانست در این مجلس شرکت کند چرا که خمینی که جهان دوستی و آزادی او را تحمل
نمی‌کرد و از سازش ناپذیری خلق گرد در خشم بود وی را به مرگ محکوم کرد.
حزب دموکرات کردستان ایران پایان یافتن سلطنت در ایران را جشن گرفت، اما
امیدهای حزب به سرعت به یأس تبدیل شد. حرف و عمل رهبران جدید ایران، به ویژه
تروریسم دولتی، با فلسفه، دفتر سیاسی حزب دموکرات کردستان ایران که گروگان -
گیری و اشغال سفارت آمریکا در ۱۳۵۸ (۱۹۷۹) را به شدت محکوم کرد، در تضاد کامل
بود. از همان زمان مبارزه مسلحانه شروع شده است. ده سال بعد، مرگ خمینی توهمی
درباره، نرمش رژیم پدید آورد. رژیمی که علاوه بر این، در پایان جنگی خونین با عراق
ضعیفتر از همیشه می‌نمود. در این شرایط، حزب دموکرات کردستان ایران، چنین می-
دید که می‌تواند برای استقرار صلح در کردستان و قبولاندن حق خودمختاری، با رژیم
تهران وارد مذاکره شود. مذاکرات را حکومت تهران پیشنهاد کرد، و به این ترتیب
بود که عبدالرحمن قاسملو در طی سفر خود به اروپا در آذر ۱۳۶۷ (دسامبر ۱۹۸۸) پذیرفت
تا با فرستادگان رژیم تهران، در وین، مذاکره کند.
عبدالله قادری آذر، مسئول و هماهنگ کننده، دفاتر حزب دموکرات کردستان در



دور دوم مذاکرهٔ حزب دموکرات و تهران در ۲۱ تیر (۱۲ ژوئیه) در خانه شماره ۵ خیابان لینکه‌بان در وین آغاز شد. مذاکرات در روز بعد (۲۲ تیر) نیز دنبال شد، تا ساعت نوزده و بیست دقیقه...^{۵۰۰}

در این دور از مذاکرات، طالبانی واسطه نبود. از قرار معلوم مقامات تهران او را متهم کرده بودند که اسرار مذاکرات دور قبل را حفظ نکرده است. فاضل رسول، بن بلا، رئیس جمهور سابق الجزایر را به عنوان واسطه پیشنهاد کرده بود، گویا مقامات تهران این پیشنهاد را رد کرده بودند و از این رو بود که فاضل رسول، در اتاقی مذاکرات حضور یافته بود و همین هم به بهای زندگیش تمام شد.

ترکیب هیئت نمایندگی تهران، همان ترکیب مذاکرات پیشین بود: م. ح. صحرا رودی، و ح. مصطفوی، به اضافهٔ م. بزرگیان، به عنوان محافظ رسمی صحرا رودی. موضوع مذاکرات، شرایط صلح در کردستان، خودمختاری برای این منطقه و کیفیت و چگونگی موافقتنامهها: در دور سابق مذاکرات، قاسم و نظرات خود را که پیش از اینهم بارها در اسناد گوناگون و مصاحبه‌های متعدد منعکس شده بود، تشریح کرد: "خودمختاری برای کردستان در یک ایران دموکراتیک"، شعار حزب دموکرات کردستان ایران است که سالهاست تغییر نکرده است. شعاری شامل شناختن حق خود مختاری، آموزش به زبان کردی در مدارس ابتدائی، استفاده از زبانهای فارسی و کردی به عنوان زبان رسمی در ادارات و مؤسسات کردستان، تعیین و تعریف حدود مشخص کردستان. بالاخره، حزب دموکرات کردستان ایران، این حق را مطالبه می‌کرد که نیروی نظامی خود یعنی نیروی پیشمرگه را به منظور تأمین نظم و امنیت در سرزمین خود مختار کردستان حفظ کند.

چنین می‌نماید که مذاکرات دیمه گذشته به صورت عادی جریان یافته است و با تبادل نظری واقعی بین دو طرف همراه بوده است. تمام این مذاکرات، بر روی نواری که اکنون در اختیار حزب دموکرات است ضبط شده است. چنین پیداست که اصل خود مختاری به رسمیت شناخته شده است.

شکل اجرایی این اصل و چگونگی اعمال و به کار بستن آن و همچنین انتخاب اصطلاحات و لغات و الفاظ مناسب، می‌بایست در مذاکرات بعدی به دقت روشن شود. بیشک مذاکرات به خوبی پیش رفته بود چرا که در مورد مسئلهٔ حساس استفاده از نیروی پیشمرگه برای حفظ نظم نیز، راه حلی کاملاً ابتکاری پیشنهاد شده بود. به عکس شنیدن نوار مذاکرات ۲۱ و ۲۲ تیر ۶۸ (۱۲ و ۱۳ ژوئیه ۸۹) روشن می‌کند که چگونه قاسم و به تکرار می‌گوید تا فرستادگان تهران را وادار کرد که پاسخهای دقیق و مشخص ارائه دهند و چگونه اینان از چنین کاری سرباز می‌زنند. مذاکرات از تفاهم به دور است.

xalvat.com

ساعت ۱۹/۳۰ ۲۳ تیر ۱۳۶۸ (۱۳ ژوئیه ۱۹۸۹)، خیابان لینکه بان، وین:

سراعت مقرر و طبق قرار قبلی، کریم، مسئول حزب دموکرات در وین، برای بردن قاسملو و قادری آذر، با اتومبیل به مقابل عمارت محل ملاقات می‌رسد، ولی آن دو در محل قرار نیستند. کریم دوری می‌زند و بار دیگر در ساعت ۱۹/۳۰ با اتومبیل به محل تعیین شده بازمی‌گردد. تجمع مردم و ماموران پلیس نظر او را جلب می‌کند. وارد ساختمان می‌شود، به آپارتمان می‌رسد و کشتار را می‌بیند. پلیس در محل است. سه جسد در میان اتاقی در هم ریخته و آشفته. اجساد قادری آذر و فاضل رسول بر کف اتاق افتاده است در حالیکه به عکس قاسملو، مثل این است که همچنان آرام در صندلی خود نشسته است: با شلیک گلوله‌ای از نزدیک به وسط پیشانی‌اش، جابجا کشته شده است. دوتن دیگر نیز صحنه را همین‌طور توصیف می‌کنند.

ولی عکسهایی که در اختیار پلیس گذاشته شده است نشان می‌دهد که جسد قاسملو، دریای نیمکت افتاده است. بعداً دونفر از سه نفری که وضع محل جنایت را توصیف کردند سخنان خود را پس می‌گیرند و می‌گویند که درست نمی‌دانند چه گذشته است و اتاق هم تقریباً تاریک بوده است. نفر سوم همچنان بر نظر نخست خود پافشاری می‌کند. پلیس اعلام می‌کند که هیچ‌یک از قربانیان، در زمان مذاکره مسلح نبوده‌اند.

نخست خانواده، فاضل رسول بود که حضور و شرکت حاجی مصطفوی را در مذاکرات به اطلاع مسئولان تحقیق رساند. البته نوار ضبط مذاکرات هم همین نکته را تأیید کرده است. پس از سوء قصد حاجی مصطفوی چه کرده است و به کجا رفته است؟ به فرستاده ایرانی پس از سوء قصد: حاجی مصطفوی بلافاصله پس از سوء قصد ناپدید شد. مثل اینکه لحظه‌ای وی را توی خیابان، کنار صحرارودی زخمی، دیده‌اند و بعد هم با یک موتور "سوزوکی" از آنجا گریخته است. سند خرید و آئینه، موتور در یک ظرف آشفال در نزدیک محل جنایت پیدا شد، همچنین اسلحه‌های استفاده شده را همراه با یک کاپشن خون‌آلود که همه در یک کیسه، پلاستیک گذاشته شده بود. به ما چنین گفته می‌شود که دلایل کافی برای اثبات اینکه مصطفوی از این موتور استفاده کرده است در دست نیست. کس دیگری هم ممکن است از آن استفاده کرده باشد. کمی بعد، مصطفوی سواریک تاکسی می‌شود. راننده، تاکسی، این مشتری عجیب را به یاد آورد: بسیار عصبی بود و اول گفت به فرودگاه برویم ولی بعد تصمیم خود را عوض کرد و به سفارت ایران رفت.

و از آن پس دیگر کسی او را ندیده است. هر چند که وزیر دادگستری در ۸ شهریور (۳۰ اوت) به ما اطمینان داد که او هنوز در خاک اتوبیتی است و در آرزوی ژوئیه هم به اتهام

عدم معاضدت با کسی که جانش در خطر است قراربازداشتی علیه او صادر شده است. جلال طالبانی، رهبر اتحادیه میهنی کردستان عراق که در ایران سکونت داشت، حدود پائیز ۱۳۶۸ تأیید کرد که مصطفوی در ارومیه راست راست راه می‌رود. محمدجعفر صحرارودی، در محل جنایت زخمی شده بود: گلوله‌ای به ساق دست و سپس به پائین صورت او اصابت کرده بود. چه وقت؟ چه پیش از جنایت؟ در حین جنایت، یا بعد از آن؟ وی رابه بیمارستان "فرانتز جوزف" (۴) منتقل کردند، شرحی که از جریان ماوقع به پلیس داد نامربوط و بی‌سروته بود و در تضاد با اظهارات بزرگیان. مقامات اتریش ضروری ندیدند که حکمی صادرکنند و از او بخواهند که حوزه قضایی وین را ترک نکند و در اختیار دادگستری بماند. هم مصطفوی و هم صحرارودی گذرنامه سیاسی داشتند هرچند که به عنوان دیپلمات ایرانی رسماً از طرف دولت اتریش شناخته نشده بودند و در نتیجه نمی‌توانستند به عنوان عضو رسمی هیئت دیپلماتیک ایران در اتریش به شمار بیایند. در ۳۱ تیر ۶۸ (۲۲ ژوئیه ۸۹)، صحرارودی، تحت حفاظت پلیس، از بیمارستان خارج شد و مستقیماً به فرودگاه مشایعت شد و از آنجا به تهران پرواز کرد. از منابع موثق خبر داریم که تهران وزارت امور خارجه، اتریش را بمباران تلگرافی کرده بود مبنی بر تهدید به ربودن اتباع اتریش و انواع دیگر اقدامات تروریستی. امیر منصور بزرگیان که در محل جنایت دستگیر شد دوازده ساعت بعد آزاد گردید. پلیس هیچ دلیل معتبری برای ادامه بازداشت وی پیدا نکرد! بزرگیان هم به سفارت ایران پناهنده شد و از اینکه خود را در اختیار مقامات قضایی قرار دهد، سر باز زد. پلیس که از این رفتار ناراحت شده بود چندین بار او را احضار کرد و یک حکم بازداشت علیه بزرگیان صادر شد، به جرم کمک نکردن به فردی زخمی و مجروح! از قرار معلوم آقای "فوره‌گر" (۵)، وزیر دادگستری برای اینکه بزرگیان را راضی کند که از سفارت خارج شود، شخصاً هم تهران قول داده بود که او را پس از بازجویی آزاد می‌کند و این امر هم سر و صدای زیادی در وین به پا کرد و البته بدون هیچ نتیجه، مشخصی با اینهمه، رفتار بزرگیان شایان توجه بسیار است: او اظهار می‌کند که از این جنایت کاملاً بی‌اطلاع است چرا که در آن موقع، در آپارتمان نبوده و برای خرید خوراکی بیرون رفته بوده است. اما در منازل‌های محله، هیچکس چهره او را به خاطر نمی‌آورد. از طرف دیگر، صحرارودی هم منکر این است که بزرگیان از آپارتمان خارج شده باشد! در ساعت ۱۹/۲۰ بزرگیان به برادرزن فاضل رسول تلفنی خبر می‌دهد که مصیبتی پیش آمده و فاضل رسول مرده است. این تلفن از منزل همسایه رناتا فایستاور صورت

گرفته است.

بزرگیان اعلام می‌کنند که با صحرارودی مجروح در پیانمرو برخورد کرده است. به هر حال چند دقیقه‌ای او را رها می‌کنند و به طرف پارک مجاور می‌روند اما بعد باز می‌گردند. صحرارودی از جیب خود یک پاکت حاوی مدارک گوناگون و ۹۰۰۰ دلار آمریکائی در می‌آورد. هنگام عزیمت صحرارودی به تهران، مقامات اتریش، این پاکت را در اختیار وی قرار دادند، در پایان خاطر نشان می‌سازیم که بزرگیان در مذاکرات دیماه (دسامبر - ژانویه) شرکت نداشت با اینکه در آن زمان هم دروین بود.

xalvat.com

آبان ۱۳۶۸: نتایج تحقیقات تا این زمان

منابه گفته پلیس، دیگر کوچکترین رازی در این ماجرا وجود ندارد. در و قفل خانه نشان می‌دهد که قاتلین به زور وارد آپارتمان شده‌اند. برعکس، یک تکه پلاستیک در ورودی ساختمان گذاشته بوده‌اند تا آمدورفت بدون کمک کلید یا بدون استفاده از کُند در ممکن باشد.

آشفته‌گی آپارتمان نشان می‌دهد که که دوتن از فریبانیان، قادری آذر و فاضل رسول، از خود دفاع کرده‌اند و قاسملو اول از همه کشته شده است. با سلاحی از روبرو، درست به پیشانی او شلیک کرده‌اند. دوتا از سه اسلحه‌ای که در زباله‌دانی پیدا شد، مورد استفاده قرار گرفته بوده است، همچنین آئینه، یک موتور سوزوکی هم پیدا شد: در ژانویه ۸۹ موتوری با همان مشخصات به نام صحرارودی خریداری شده بود.

نتایج تحقیقات گلوله‌شناسی (و نیز نتیجه آزمایش‌های کالبد شکافی) هنوز در اختیار دادگاه قرار نگرفته است. در ماه مهر (آغاز اکتبر)، وزیر کشور، آقای "لوشناک" (۶) از این تأخیر بسیار تعجب می‌کرد.

وزیر کشور لوشناک، وزیر دادگستری فوره‌گر، و وزیر امور خارجه "مولک" (۷)، هر کدام قول دادند تا از هیچ کوششی برای یافتن و دستگیری قاتلان دریغ نکنند. با وجود این در اواسط مهر (آغاز اکتبر ۸۹) وزیر کشور، که نمی‌خواست به سؤالات ما پاسخ دهد، ما را به وزیر دادگستری احاله کرد. "که همه پرونده‌ها را در اختیار دارم" وزیر کشور اظهار کرد که به کار و هیچ ابرادی وارد نیست مگر سهل‌انگاری یکی از کارمندانش به نام "شاد و اسر" (۸) که برخلاف دستور وزیر، یکی از ابرانبهار آزاد کرده است. در ماه مرداد، وزیر دادگستری فوره‌گر، با زرنگی بسیار از پاسخ به سؤالات ما ظفره رفت. و در اواسط مهر هم فرصت پذیرفتن ما را نداشت.

اما وزیر امور خارجه، به ما اطمینان داد که از تمام امکاناتش برای روشن کردن این مسئله استفاده کرده و می‌کند. در مجلس، نمایندگان حزب سوسیالیست از وزیر دادگستری ده سؤال کرده‌اند و آقای فوره‌گر می‌باید تا قبل از پایان آذر (نوامبر) به این

سؤالات پاسخ دهد. و آقای "پتر پیلز" (۹) وکیل دادگستری و نماینده، سبزه‌ها هم تصمیم دارد که عنقریب آقای فوره‌گر را استیضاح کند.

موانع کار: این موانع حاصل کار دولتهای ایران و اتریش است.

تهران از دودوره مذاکرات میان حزب دموکرات کردستان ایران و نمایندگان حکومت تهران هیچ سخنی نمی‌گوید. این مذاکرات و نظرات طرفین یکسر پنهان نگه‌داشته شده است.

درست است که رادیو تهران مرگ قاسملو را اعلام کرد. اما به گفته، این رادیو، دبیر کل حزب دموکرات کردستان ایران، هنگامی که با نمایندگان دولت ایران، برای گرفتن امان نامه به منظور بازگشت به تهران، ملاقات داشت، توسط افراد ناشناسی به قتل رسیده است. رادیوی دولتی به اتریشی‌ها توصیه می‌کرد که در جستجوی قاتل یا قاتلین "به مظنونان غیر ایرانی" هم توجه کنند.

در واقع آقای رفسنجانی، که می‌گویند قهرمان عملگرایی است، می‌خواهد که "قضیه قاسملو" هرچه زودتر به فراموشی سپرده شود تا وی بتواند روابط گوناگون خود را با غرب گسترش دهد. این امیدهای او چندان هم واهی نیست و "حسن نیت" اتریشی‌ها، مایه تشویق اوست. اواسط مردادماه، ولایتی وزیر امور خارجه، ایران، پیام دلگرم‌کننده‌ای از همتای اتریشی خود دریافت کرد مبنی بر اینکه اتریش شایق است که روابطش با ایران به وضع پیشین بازگردد (در واقع مدتی بود که روابط دو کشور به حداقل تقلیل یافته بود).

وین هم مایل است که "قضیه قاسملو" هرچه زودتر بایگانی شود، اینجا پای شهرت و حیثیت اتریش در میان است، شهرتی که از اقتضاحات سالهای اخیر و از جمله از قضیه "نوریکوم" (۱۰) که سروصدای بسیاری در مطبوعات برانگیخت، لطمه فراوان دیده است: اتریش در بحبوحه جنگ ایران و عراق، چندین میلیارد شیلینگ اسلحه به ارتش دوکشور ایران و عراق تحویل داده است. در حالیکه این امر با اصل بی‌طرفی دولت اتریش که فروش اسلحه به کشورهای در حال جنگ را منع می‌کند، مغایرت تام دارد. چندتن از وزیران دولت قبلی اتریش، بر این معامله، غیرقانونی دست داشته‌اند.

xalvat.com

آذر - دی ۱۳۶۸: اطلاعات و اقدامات دیگر

در نوامبر گذشته، وزیر کشور اتریش، آقای فرانز لوشناک برای مذاکره و گفت‌وگو با همتای آمریکایی خود درباره مواد مخدر و توزیع سم به واشنگتن رفت. وی در این سفر به مطبوعات آمریکا اظهار داشت که دولت ایران در سوئد ۱۳ ژوئیه در وین دخالت مستقیم داشته است. این اظهارات در مطبوعات اتریش نیز منعکس شد. وی

در مصاحبه‌ای با روزنامه «دراستاندارد» (۱۱) چاپ وین، گفت «همه، شواهد و مدارک بر این حکم می‌کنند که دکتر قاسملو، دکتر فاضل و قادری، به دست مأموران دولت ایران کشته شده‌اند».

۱۷ آذر (۲۸ نوامبر): حکم بازداشت محمدجعفر صحرارودی، حاجی مصطفوی و امیرمنصور بزرگیان به اتهام شرکت مستقیم در قتل سه مبارز گرد صادر شد.

البته ماجرا پایان نیافته است و هنوز پیرسشهای بسیار بی‌جواب مانده است ولی این خود گام مهمی است.

اوایل آذر (اواخر نوامبر): نتایج تحقیقات گلوله‌شناسی در اختیار ما قرار داده شد. مهمترین نتایج این کارشناسی که بیشک موجب اقدام اخیر دولت اتریش شده است چنین است:

- ۱- از دو اسلحه مجهز به مداخله کن، توسط دونفر از افراد حاضر در اتاق مذاکره، استفاده شده است.
- ۲- گلوله‌ها از دو محل متفاوت که هر دو هم به فاصله کوتاهی از هدف قرار داشتند شلیک شده است.
- ۳- به عبدالرحمن قاسملو سه گلوله با دو اسلحه شلیک شده است.
- ۴- قادری آذر با یازده گلوله به قتل رسیده است و فاضل رسول، با پنج گلوله.
- ۵- هیچکدام از شلیک‌کنندگان، در نزدیکی در ورودی آپارتمان نبوده‌اند.
- ۶- بر روی جسد عبدالله قادری آذر، آثار خون صحرارودی یافت شده است.
- ۷- صحرارودی در بازجویی خود اظهار کرده بود که قاتلین از بیرون وارد آپارتمان شده‌اند ولی تحقیقات گلوله‌شناسی نادرستی این اظهارات را ثابت می‌کند.

۸- ۱۷ آذر (۱۲ نوامبر - ۸ دسامبر) وین: «برونو کرایسکی»، صدراعظم سابق که اکنون دوران نقاهت پس از یک عمل جراحی مهم را می‌گذراند، ما را به ملاقات کوتاهی پذیرفت. وی، علاوه بر راهنماییهای بسیار پرارزش، اظهار داشت که از خانم و آقای میتران هم نامه‌ای دریافت کرده است مبنی بر اینکه ما را از حمایت خود برخوردار می‌کنند.

وزارت دادگستری: به محض صدور حکم بازداشت سه «فرستاده» ایرانی توسط دادگستری اتریش، تهران کوشید با اعتراض و تهدید، مقامات وین را مرعوب کند. ما از آقای «اکمونت فوره‌گر»، وزیر دادگستری، پرسیدیم عکس العمل شما چه خواهد بود؟ با وجود مطالب فراوانی که مطبوعات اتریشی در این زمینه انتشار داده‌اند، وی پاسخ داد که از جنین تهدیداتی خبر ندارد و سپس افزود که اتریش زیر بار هیچ فشار و اعمال نفوذی نمی‌رود.

ما از ایشان یک سلسله سؤال کردیم که پاسخ ایشان مثبت به نظر می‌رسید.

سوالات ما چنین بود:

- آیا اتریش از ایران خواهد خواست که بزرگیان را تحویل دهد؟
- مقامات قضایی ایران، حکم بازداشت و موارد اتهام صحرارودی و مصطفوی، را از طرق رسمی، دریافت خواهند کرد؟
- آیا آقای فورهگر در نظر ندارد که از وزیر امور خارجه، آقای الویس مولک، بخواهد که به دیوان بین‌المللی لاهه مراجعه کند؟
- آیا آزاد کردن صحرارودی و بزرگیان را [در ژوئیه گذشته] خطا نمی‌دانند؟
- وزارت کشور: تصمیمات متخذة توسط دادگاه انضباطی در مورد توبیخ آقای یومان شادواسر معلق گذاشته شد. سابقه امر رایا دآور شویم: بزرگیان بعد از ۱۲ ساعت بازداشت، بدون اجازه وزیر، آزاد شد. در آن زمان آقای یومان شادواسر، مسئول چنین اقدامی شناخته می‌شد، اما به طوری که اخیراً مطلع شدیم مسئولیت این امر با آقای "ورنر لیبهارد" (۱۲)، رئیس پلیس وین بوده است که در تابستان گذشته سرپرستی انجام تحقیقات در مورد ماجرای قاسملورا به عهده داشته است.
- مجلس: بالاخره در ۷ آذر (۲۸ نوامبر) آقای فورهگر به سؤالاتی که یکی از نمایندگان حزب سوسیالیست در پنج مهر گذشته (۲۷ سپتامبر گذشته) از او کرده بود، پاسخ داد. (رفتار آقای فورهگر در قضیه قاسملو به روشنی نشان می‌دهد که وی درین مورد هیچ تعجیلی ندارد). پاسخ وی متضمن هیچ نکته تازه‌ای نبود.
- ۸ آذر (۲۹ نوامبر): آقای "پیتر بیلز"، نماینده سبزه‌ها چهل و دو سؤال جدید از وزیر دادگستری و دوازده سؤال جدید از وزیر امور خارجه کرد.
- آقای "هاینر فیشر" (۱۳): دبیرکل حزب سوسیالیست اتریش در نظر دارد بار دیگر مسئله قاسملو را در مجلس مطرح کند.
- به قرار اطلاع صحرارودی و مصطفوی آزادانه در ایران می‌گردند، اما گویا بزرگیان همچنان در سفارت ایران در وین به سر می‌برند.
- ما گزارشی در مورد چگونگی دخالت اعضای دولت ایران، اعضای قوای نظامی و اعضای سازمان اطلاعات ایران و نیز اعضای سفارت ایران در وین در مراحل مختلف توطئه ۱۳ ژوئیه به دست آورده‌ایم.
- این گزارش در شناختن نقش هر یک از این افراد در این ماجرا کمک می‌کند. جالب است که نام رئیس‌جمهور ایران، در صدر این فهرست قرار دارد.
- دی ۱۳۶۸ (ژانویه ۱۹۹۰): خلاصه اطلاعات موجود
- الف - مقامات اتریشی اکنون دیگر اطمینان دارند که حکومت ایران طراح و منفذ

متفکر این توطئه، خونین بوده است. اینان در مورد مسئولیت سه نفر نماینده تهران نیز، هیچ شکی ندارند.

ب - حکم بازداشت این سه تن صادر شد. اما این تصور باطلی است که فکر کنیم مصطفوی و صحرارودی (که در این مدت ترفیع نیز گرفته است) به وین می آیند و خود را به پلیس معرفی می کنند.

بزرگیان نیز همچنان خود را در سفارت ایران در وین، در پناه می بیند.

ج - میثاق وین درباره روابط دیپلماتیک (۲۷ مه ۱۹۶۱) که از طرف ایران نیز امضاء شده است (صفحات ۳۷۴ و ۳۸۱)، وظایف هیئتهای دیپلماتیک را تعیین می کند (ماده ۳/۱)، نه این میثاق و نه هیچ قانون بین المللی دیگر، به یک دولت اجازه نمی دهد که از حریم سفارت خود برای پناه دادن به فردی که تحت تعقیب دادگستری است استفاده کند.

نگهداشتن بزرگیان در سفارت ایران، تخطی از قوانین پذیرفته شده در روابط دیپلماتیک است (رجوع شود به ماده ۲۲ میثاق مذکور).

حکومت ایران (که از صحرارودی و مصطفوی سخنی نمی گوید) از تحویل بزرگیان خودداری می کند و در عین حال هم از هرگونه کمک و همراهی برای روشن شدن حقیقت سر باز می زند.

د - در دولت اتریش نیز برخی از مسئولان "خطاهای بسیار بزرگی" مرتکب شده اند و به ویژه در روزهای بلافاصله بعد از سوء قصد و همین نیز موجب شد تا جنایتکاران بتوانند فرار کنند.

نوروز ۱۳۶۹ (مارس ۱۹۹۰):

همچنانکه پیش از این اشاره شد در اواخر نوامبر ۱۹۸۹، رسانه های گروهی اتریشی و آمریکایی (از جمله روزنامه مستقل اتریشی "دراستاندار") اظهارات وزیر کشور اتریش را درباره اینکه قتل وین به وسیله عناصر وابسته به حکومت ایران صورت گرفته است انتشار دادند. این سخنان در برابر روزنامه نگاران تلویزیونی و مطبوعات اتریشی اظهار شده است و در این رسانه ها هم انتشار یافته است.

۲۲ دی ۱۳۶۸ (۱۲ ژانویه ۱۹۹۰): باتوجه به این اظهارات من نامه هایی به وزیر

خارجه، وزیر کشور و وزیر دادگستری اتریش در مورد دخالت دولت ایران نوشتم.

۱۳ بهمن ۱۳۶۸ (۲ فوریه ۱۹۹۰): آقای "اریک نتل" (۱۴) سفیر کبیر اتریش از طرف وزیر خارجه به من کتباً پاسخ داد که "نه دادگاه اتریش و نه دولت اتریش هیچکدام، آنطور که شما در نامه خود نوشته اید، اعلام نکرده اند که جنایت را دولت ایران سازماندهی کرده است."

چهارم اسفند ۱۳۶۸ (۲۳ فوریه ۱۹۹۰): وزیر دادگستری در پاسخ ناملاً من نوشت " به شما اطلاع می‌دهم که دادگاه کشور، دستور دستگیری سه ایرانی، صحرارودی، بزرگیان و مصطفوی را صادر کرده است. این امر را وزیر خارجه به سفیر ایران در اتریش اطلاع داده است. سفارت ایران از ما خواسته است که دلایل و مدارک کافی مبنی بر مجرمیت این افراد را در اختیارش بگذاریم و در ضمن اشاره کرده است که از صحرارودی می‌توان در ایران بازجویی کرد. از سفیر ایران در اتریش چندین بار خواسته شده است تا مشخص کند که آیا بزرگیان در سفارت ایران در وین است یا نه؟ وی تا به حال به این مورد هیچگونه پاسخ مثبتی نداده است. در ضمن وزیر دادگستری از مقامات قضایی خواسته است تا از سازمان پلیس بین‌المللی بخواهد که این سه تن را تعقیب و بازداشت کند.

۹ اسفند ۱۳۶۸ (۲۸ فوریه ۱۹۹۰): دیدار با وزیر کشور اتریش: وی در این دیدار گفت که به یاد نمی‌آورد درباره مسئولیت مستقیم حکومت ایران در سوء قصد وین چنین سخنانی را گفته باشد " منطقاً هم نمی‌توانستم چنین اظهاراتی را بکنم چرا که دلیل قانونی برای بیان چنین مطالبی را در دست ندارم. به این ترتیب است که مقامات اتریشی بار دیگر گفته‌های خود را تکذیب می‌کنند!

تیر ۱۳۶۹ (ژوئیه ۱۹۹۰):

به مناسبت نخستین سالگرد قتل قاسملو و بارانش، در کشورهای مختلف جهان مراسم یادبودی از سوی حزب دموکرات کردستان ایران با شرکت جمعیتها و سازما- نه‌های بشردوست و مدافع حقوق بشر و شخصیت‌های سیاسی- فرهنگی و هنری برگزار شد. گروهی از نویسندگان و روشنفکران و مدافعان حقوق بشر در کشورهای اروپایی بیان نامه‌ای را امضاء کردند تا یادآور شوند که یکسال بعد از قتل "دکتر عبدالرحمن قاسملو و دو شخصیت دیگر گرد ۰۰۰ به دست فرستادگان رسمی جمهوری اسلامی ایران در وین!" دولت اتریش نه حقیقت را روشن کرده و نه همه وساطتی را که يك دولت قانونی در اختیار دارد به کار برده است تا عدالت بتواند بلامانع کار خود را دنبال کند! امضاء کنندگان خواستار شدند که این جنایت بدون مجازات نماند و نتایج تحقیقات و بررسیها انتشار یابد و سازماندهندگان این جنایت به افکار جهانی معرفی شوند و در برابر دادگاه قرار گیرند. متن این نامه در روزنامه‌های مهم جهان انتشار یافت.

۱۹ تیر ۱۳۶۹ (۱۰ ژوئیه ۱۹۹۰): اظهارات "مانفرد وایدینگر" (۱۵) وکیل اتریشی قاسملو در مصاحبه مطبوعاتی که از سوی "جامعه حقوق بشر" در پاریس سازمان داده شد:

"در پایان ماه نوامبر ۱۹۸۹ (اوایل آذر ۱۳۶۸)، قرار بازداشت سه ایرانی که در

موفقیت سوء قصد، وارد عمل شوند و کار را تمام کنند،" در این برنامه، "مانفرد ماتزکا" (۱۹)، نماینده وزارت کشور اتریش، اعلام کرد: "تحقیقات و تجسسات دقیق و پرداخته نشان داد که نقشه این جنایت به بهترین صورت، از پیش تهیه شده بود. به عبارت دیگر ما با تدارکات گسترده‌ای روبرو هستیم که بر اساس آنها، چنین جنایتی طرح‌ریزی شده است. این جنایت کاریک فرد نیست که ناگهان و بی‌مقدمه و از سر احساسات و در یک لحظه تصمیم گرفته باشد و دست به جنایت زده باشد."*

قریب دو هفته پس از جنایت وین، در ۶ مرداد ۱۳۶۸ (۲۷ ژوئیه ۸۹)، روزنامه مستقل "دراستاندارد" اتریش نوشت: "به روشنی معلوم است که مقامات دولتی هر چه می‌توانستند کردند تا عزیمت شاهدان و متهمان را تسهیل کنند که اسرار سوء قصد از پرده بیرون نیفتد." در همان زمان "آر بایتر زایتونگ" (۲۰) هم نوشت: "این چنین اطاعت و فرمانبرداری از ایران، در وهله نخست، چند زمانی اتریش را از خشم ملایان در امان نگه میدارد اما چنین رویه‌ای در ضمن خود دعوتنامه‌ای نیز هست: اتریش کشوری زیباست. به اتریش بیایید و آدم بکشید." ■

تیر ۱۳۶۹ - ژوئیه ۱۹۹۰

xalvat.com

برگردان شیدا نبوی

- 1- Linkebahngasse. 2- Renata Faistauer. 3- Susanna Rassoul
 - Rockenschaub. 4- Franz Josef. 5- Foregger. 6- Loch-
 -nak. 7- Mock. 8- Schadwesser. 9- Peter Pilz. 10 -
 Noricum. 11- Der Standard. 12- Werner Liebhard. 13 -
 Heinz Fischer. 14- Eric Nettel. 15- Manfred Weidinger. 16-
 Marc Kravetz. 17- Stojan. 18- Am Stephansdcm. 19-Manfred-
 Matzka. 20- Arbeitr Zeitung.

